

توسل در سیره پیشوایان

## توسل در سیره پیشوایان

بی شک یکی از مسائل مهمی که وهابیت با دیگر مذاهب اسلامی با آن مخالفت می کند مساله توسل است که در این مقاله سعی شده با ادله قرآنی و اثبات اینکه سیره پیشوایان و پیامبران گذشته بر این مساله مترتب بوده اثبات کند که اعتقاد به توسل نه تنها شرک نیست بلکه یک امر مطلوب و پسندیده به شمار می آید.

### معنی توسل و حقیقت آن

توسل از خانواده وسیله است، و به معنی واسطه قرار دادن چیزی برای تقرب به خداوند متعال است، مانند این که نردبان وسیله رفتن به پشت بام و آسانسور وسیله رفتن به طبقات بالای ساختمان است، و یا هواپیما وسیله رفتن از اینجا به مکه است و... به این منظور لغت شناس معروف می نویسد: «توسل الیه بکذا؛ تقرب الیه بحرمةٍ أصره تعطفه علیه؛ به فلان موجود متوسل شد، یعنی به وسیله احترام و مقام آنچه نظر وی را جلب می کند به او نزدیک گردید.» (1)

### یکی از مصادیق توسل، واسطه قرار

الهی است. یعنی ما خود را در پیشگاه الهی، حقیر و گنهگار می دانیم از این رو خود را لایق نمی دانیم که به طور مستقیم، با ذات پاک الهی تماس بگیریم، بلکه یکی از آبرومندان درگاهش را که یکتاپرست کامل و حقیقی است و در دریای توحید غرق است واسطه قرار می دهیم، تا خداوند به آبروی او به ما لطف کند، جای بسی تعجب است که بعضی (مانند وهابیان) این گونه توسل را شرک می دانند، در صورتی که اگر با توجه عمیق بیندیشیم می توانیم دریابیم که این گونه توسل، عین توحید است، زیرا اولاً ما از اولیاء خدا به طور مستقل چیزی نمی خواهیم، بلکه آنها را واسطه قرار می دهیم، و ثانیاً آنها از این رو که عبد خالص وفانی در ذات پاک خدا هستند، و دارای توحید کامل در ابعاد مختلف می باشند واسطه قرار می دهیم، چرا که خود را دارای توحید ناقص می دانیم، بنابراین واسطه قرار دادن انسان های والا که در اوج توحید هستند، موجب تقویت توحید، و بیزاری بیشتر از هرگونه شرک است، نه این که موجب شرک باشد.

### توسل از دیدگاه قرآن

در قرآن در آیات متعدد به مساله صحیح بودن توسل، تصریح یا اشاره شده است، و از آنها به خوبی استفاده می شود که وسیله و واسطه قراردادن شخصیت های آبرومند نه تنها ممنوع نیست، بلکه شایسته و محبوب خواهد بود. به عنوان نمونه نظر شما را به چند آیه جلب می کنیم:

1- «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیلة؛ ای کسانی که ایمان آورده اید از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و وسیله ای برای تقرب به او بجوید.» (2)

منظور از وسیله در این آیه همان وسیله قرار دادن و وساطت چیزی است که موجب تقرب به درگاه خدا است. که مهمترین آنها عبارت است از: ایمان به خدا و رسول خدا(ص)، جهاد، اخلاص، نماز، زکات، روزه، حج و عمره، صلح رحم، صدقه پنهانی و آشکار و هرگونه کار نیک که

انسان را از سقوط نجات دهد، چنان که این مطلب در فرازی از گفتار حضرت علی(ع) آمده است. (3)

به طور کلی از روایات استفاده می شود که توسل بر چهار گونه است: 1- توسل به ایمان 2- توسل به کارهای نیک 3- توسل به دعای بندگان صالح(4) 4- توسل به اولیای خدا، چنان که در صدر اسلام تا کنون بین مسلمانان، معمولی و متعارف بوده و هست.

2- «ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جائوک فاستغفروا لله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحیماً؛ (5) و اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می کردند (و فرمان های خدا را زیر پا می گذاشتند) به نزد تو (ای پیامبر) می آمدند، و از خدا طلب آمرزش می کردند، و پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.»

این آیه بیانگر آن است که واسطه قرار دادن پیامبر(ص) برای شفاعت و دعا کردن برای انسان های گنهگار، مطلوب و مفید بوده و موجب نتیجه خوب خواهد شد.

و از آیه 114 سوره توبه که بیانگر استغفار ابراهیم خلیل(ع) برای پدرش است نیز این مطلب را تأیید می کند.

3- قالوا یا ابانا استغفر لنا ذنوبنا انّا کنا خاطئین - قال سأستغفر لکم ربّی انّه هو الغفور الرحیم؛ (6) (فرزندان یعقوب به پدر خود) گفتند: ای پدر ما از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطا کار بودیم - یعقوب گفت: به زودی برای شما از پروردگار آمرزش می طلبم، که او آمرزنده و مهربان است.»

بنابراین مطابق این آیات، توسل به دعای بندگان شایسته، و واسطه قرار دادن آنها در درگاه الهی روا و جایز است.

### نمونه هایی از مطلوبیت توسل در

از سیره درخشان زندگی پیامبران و پیامبر اسلام و امامان (ع) فهمیده می شود که آن حضرات توسل دیگران را تأیید نموده و یا خود به اولیاء خدا توسل جسته اند، با توجه به اینکه آنها فانی در توحید و آموزگار آن بوده و از هرگونه شرک دوری می جستند، تأیید آنها دلیل بر این است که مسأله توسل هیچ گونه ناسازگاری با اصل توحید ندارد، بلکه وسیله ای سالم و کارساز برای تقرب به درگاه ذات پاک خدا است، در این راستا نظر شما را به نمونه های زیر جلب می کنیم:

1- در روایات متعدد آمده پیامبرانی مانند حضرت آدم، نوح، ابراهیم، موسی و... پنج تن آل عبا(ع) را در درگاه الهی واسطه قرار داده اند، در قرآن می خوانیم: «فتلقی آدم من ربّه کلماتٍ فتاب علیه؛ (7) سپس آدم (ع) از پروردگار خود کلماتی دریافت داشت، (و با آنها توبه کرد) و خداوند توبه او را پذیرفت.» مطابق روایات متعددی که از طرق ائمه اهل بیت(ع) رسیده، مقصود از این کلمات، بهترین مخلوقات خدا محمد(ص)، علی، فاطمه، حسن و حسین(ع) بوده اند. از جمله از امام صادق(ع) روایت شده که پیامبر(ص) فرمود: آدم(ع) هنگام توبه به درگاه الهی گفت: «اللهم انی اسئلك بحق محمد و آل محمد لما غفرت لی؛ خدایا از درگاه تو به حق محمد (ص) و آل او مسئلت می جویم که مرا بیامری.» (8)

نیز روایت شده شخصی از امام صادق(ع) پرسید: منظور از کلمات در آیه «و اذ ابتلی ابراهیم ربّه بکلماتٍ فاتمهنّ؛ (9) به خاطر بیاورید هنگامی که خداوند ابراهیم را به وسایل مختلف آزمود.» چیست؟ امام صادق (ع) فرمود: همان کلماتی است که آدم (ع) آنها را از خدا دریافت نمود و به وسیله آنها توبه کرده و توبه اش پذیرفته شد، و آن این بود که به خدا عرض کرد: «یا ربّ اسئلك بحق محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسين الاّ تبت علی؛ پروردگارا! به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) از درگاهت مسئلت دارم که توبه ام را بپذیر.» (10)

2- ترمذی دانشمند معروف اهل تسنن به عنوان شاهد بر جواز توسل روایت می کند: مردی نابینا به محضر پیامبر(ص) آمد و گفت از خدا بخواه تا به من سلامتی چشم بدهد. پیامبر(ص) فرمود: اگر بخواهی دعا می کنم و اگر بخواهی تأخیر می اندازم و این بهتر است. او عرض کرد اکنون دعا کن، آن حضرت به او فرمود: وضوی کامل بگیر و دو رکعت نماز بخوان و این گونه دعا کن: «پروردگارا! من از تو درخواست می کنم به وسیله محمد (ص) پیامبر رحمت، ای محمد! من به وسیله تو به درگاه خدا متوجه می شوم، خداوند او را شفیع من ساز.» نابینا به این دستور عمل کرد، و بینا شد. (11)

از این روایت به خوبی استفاده می شود که پیامبر(ص) توسل را به آن شخص نابینا دستور داد، و توسل مطلوب اسلام و موجب نتیجه سودمند است.

3- ابن ابی الحدید دانشمند معروف اهل تسنن از علی (ع) چنین روایت می کند: «...روزی از رسول خدا(ص) درخواست دعا برای آمرزش کردم، آن حضرت برخاست و دو رکعت نماز خواند و سپس دست به سوی آسمان بلند کرد و عرض نمود: «اللهم بحقّ علیّ عندک اغفر لعلیّ؛ خداوند! به حق آن مقامی که علی(ع) در پیشگاه تو دارد علی(ع) را ببخش.» (12)

4- روایت شده حضرت زهرا(س) هنگام رحلت جان سوز رسول خدا(ص) در بالین او نشسته بود و این شعر ابوطالب را می خواند:

و ابيض يستسقى الغمام بوجهه ثمال اليتامى عصمةً للارامل

سفید رویی که مردم به برکت چهره او از درگاه خدا طلب باران می کنند، او که فریادرس یتیمان و پناه بیوه زنان است. (13)

در صحیح دارمی از ابن جوزا روایت شده یک سال در مدینه قحطی سختی رخ داد، بعضی شکایت به عایشه بردند، او سفارش کرد که بر فراز قبر رسول خدا(ص) بروید و روزنه ای در سقف ایجاد کنید، تا به برکت قبر پیامبر(ص) از طرف خدا باران نازل شود. آنها به این دستور عمل کردند و باران فراوانی بارید. (14)

این روایت بیانگر آن است که عایشه یکی از همسران رسول خدا(ص) قبلاً مسأله مطلوب بودن توسل و نتیجه بخشی آن را در عصر رسول خدا(ص) تجربه کرده بود، که چنین سفارشی نمود. 5 - ابن شهر آشوب در مناقب به سند خود از امام باقر (ع) نقل می کند: در عصر رسول خدا(ص) مردی گناهی کرد، و سپس خود را مخفی نمود (تا او را دستگیر نکنند) تا اینکه روزی در خفا در یک راه خلوت حسن و حسین(ع) را دید، آنها را بر دوش خود گرفت و به محضر رسول خدا(ص) آمد و ملتمسانه عرض کرد: «ای رسول خدا! من پناه آورده ام به خدا، و به وسیله این دو کودک.»

پیامبر (ص) آن چنان خندید، به گونه ای که دستش را بر دهانش گرفت، آنگاه به آن مرد گفت: «اذهب فانت طلیق؛ برو که تو آزاد شده هستی.»

سپس به حسن و حسین(ع) فرمود: این مرد شما را در مورد نجات خود، شفیع خود قرار داد تا او را شفاعت کنید. در این هنگام این آیه نازل شد: «ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جائوک فاستغفروا لله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحیماً؛ اگر آنها که به خود ظلم کردند نزد تو می آمدند، و از خدا طلب آمرزش می کردند، و پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد، خدا را توبه پذیر می یافتند.» (15)

6 - شیخ صدوق(ره) نقل می کند: مردی از اهالی بلخ برده (غلام) ای داشت، به همراه او به مشهد برای زیارت مرقد حضرت امام رضا(ع) آمدند، در آنجا آن غلام به امام متوسل شد که خداوند وسیله آزادی او را از بردگی فراهم کند، و نیز دارای همسر و باغی شود، او و اربابش پس از سجده طولانی در حرم حضرت رضا(ع) برخاستند، ارباب هماندم بی آنکه به خواسته

غلامش آگاه باشد به او رو کرد و گفت: تو را در راه خدا آزاد کردم، و نیز فلان کنیزم را آزاد نمودم و او را همسر تو گرداندم و مهریه او را بر عهده گرفتم. و فلان باغ را نیز به شما دونفر وقف نمودم، و شما نیز آن را بعد از خود وقف نسل خود کنید. غلام با شنیدن این گفتار، منقلب شد و گریه کرد و گفت: «سوگند به خدا و سوگند به این امام همام من در سجده همین تقاضا را از حضرت رضا(ع) نمودم، و به آن حضرت متوسل شدم، اینک می بینم به نتیجه رسیدم.»(16) در قسمت آخر این گفتار نظر شما را به مناظره جالب دکتر تیجانی با آیت الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر جلب می کنم:

دکتر سید محمد تیجانی از اهالی تونس که از اهل تسنن و مالکی بود و شیعه شده و چندین کتاب پیرامون حقانیت تشیع نوشته در یکی از کتاب هایش به نام «ثم اهدیت» می نویسد: به نجف اشرف سفر کردم، و توسط یکی از دوستانم به محضر آیت الله العظمی سید محمد باقر صدر(17) رسیدم نخست از ایشان پرسیدم: علمای سعودی می گویند دست بر قبر کشیدن و توسل به صالحین و تبرک جویی از آنان، شرک به خدا است، نظر شما چیست؟ آیت الله صدر فرمود: «هرگاه دست کشیدن بر قبر و توسل جستن به این نیت باشد که آن ها(بدون اذن خدا) نفع و ضرر می رسانند چنین کاری شرک است، ولی مسلمانان یکتاپرست می دانند که تنها خدا نفع و ضرر می رساند، و اولیاء خدا وسیله و واسطه هستند، بنابراین با این نیت که آنها واسطه هستند هرگز شرک نیست. همه مسلمین از سنتی و شیعه از عصر رسول خدا(ص) تا کنون در این امر اتفاق نظر دارند. به استثنای وهابیان که در قرون جدید پیدا شده اند(18) و بر خلاف اجماع مسلمین رفتار می نمایند. و دست بر قبر کشیدن و توسل به اولیاء خدا را شرک می دانند.» آنگاه فرمود: مرحوم سید شرف الدین (محقق بزرگ اسلامی، صاحب کتاب ارزشمند المراجعات) در عصر سلطنت عبدالعزیز سعودی، توسط او به مناسبت عید قربان دعوت شد، آقای شرف الدین این دعوت را پذیرفت و نزد عبدالعزیز سعودی رفت، و یک جلد قرآن که دارای جلدی پوستین بود به شاه عربستان(عبدالعزیز) هدیه کرد، شاه آن را گرفت و بوسید و به عنوان احترام بر پیشانی خود گذاشت. سید شرف الدین از این فرصت استفاده نمود و ناگهان گفت: «ای شاه! چرا این جلد را می بوسی و این گونه از آن احترام می نمایی، با این که این جلد چیزی جز پوست بز نیست؟» شاه گفت: غرض من از بوسیدن جلد، قرآنی است که در داخل آن قرار دارد، نه خود جلد. آقای شرف الدین بی درنگ فرمود: احسنت ای پادشاه! ما شیعیان نیز وقتی پنجره یا اطاق قبر پیامبر(ص) را می بوسیم، می دانیم که آهن نمی تواند کاری کند، غرض ما آن کسی است که ماورای این آهن ها و چوب ها است. ما می خواهیم به رسول خدا(ص) احترام کنیم همان گونه که شما با بوسیدن پوست بز، به قرآن کریم احترام کردی. شاه سخن شرف الدین را پذیرفت، و حاضران تکبیر گفتند، در آن سال او اجازه داد که از تبرک جویی به قبر رسول خدا(ص) جلوگیری نکنند.(19)

#### پی نوشت ها

1. لسان العرب، واژه وسل، ج 11، ص 724.
2. سوره مائده، آیه 35.
3. «ان افضل ماتوسل به المتوسلون...»(نهج البلاغه، خطبه 110) ماجرای اصحاب رقیم که 3 روایات آمده حاکی است که توسل به اعمال نیک موجب نجات خواهد شد(نورالثقلین، ج 3، ص 249)
4. چنان که در آیه 7 و 8 سوره یوسف استفاده می شود.
5. سوره نساء، آیه 64.
6. سوره یوسف، آیه 97 و 98.

7. سوره بقره، آیه 37.
- 88 احتجاج طبرسی، به نقل نورالثقلین، ج 1، ص 67. نظیر این مطلب در کتاب وفاء الوفاء، ج 3 ص 1371، و کتاب التوصل الی حقیقة التوسّل، ص 215 نقل شده است.
9. سوره بقره، آیه 124.
10. تفسیر نورالثقلین، ج 1، ص 68.
11. وفاء الوفاء، ص 372، التوصل الی حقیقة التوسّل، چاپ بیروت، ص 158.
12. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 20، ص 315 و 316.
13. محدث قمی، انوار البهیة، ص 35.
14. تفسیر روح المعانی، ج 4، ص 114 و 115.
15. مناقب ابن شهر آشوب، ج 3، ص 400؛ بحار، ج 43، ص 318.
16. عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 282.
17. شهید صدر در 47 سالگی در شب 19 فروردین سال 1359 هـ.ش به دست دژخیمان بعثت عراق به شهادت رسید.
18. مسلک وهابیت به شیخ محمد فرزند عبدالوهاب منسوب است. وی در سال 1153 هجری قمری، عقیده وهابی گری را تأسیس و منتشر نمود.
19. اقتباس از کتاب آنگاه...هدایت شدم، ص 92 و 93.